

حرمت خرید و فروش و سوء مصرف مواد مخدر و اسباب گسترش آن از دید فقه اسلامی

ابراهیم قربانی^۱، کریم اکبری^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۱/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۲/۱۸

چکیده

سوء مصرف و جرائم مواد مخدر، یکی از بزرگ‌ترین معضله‌های تمامی کشورهای جهان از جمله ایران است. بر اساس آمارهای موجود، بیش از نیمی از زندانیان کشور در ارتباط با مواد مخدر محبوس هستند، به طوری که افزایش روزافزون تعداد معتادان و وجود ناهنجاری‌های مختلف حاصل از اعتیاد در جامعه، نشانگر کارایی کم اقدامات انجام یافته در خصوص پیشگیری در کشور است. بر این اساس با توجه به ضرورت تعیین مؤثرترین روش پیشگیری از اعتیاد و جرائم مواد مخدر در جامعه، در این تحقیق با بررسی انواع راهبردهای کاربردی پیشگیری از اعتیاد شامل پیشگیری دین‌محور، قانون‌محور و اجتماع‌محور (خانواده‌محور، پیشگیری با محور مراکز آموزشی، جامعه‌محور)، شاخص‌های مربوطه تعیین و بر اساس شاخص‌های تعیین شده، نسبت به تنظیم پرسش‌نامه اقدام شده است. ۷۶ نفر از افراد و کارشناسان فعال در سازمان‌هایی که عضو کمیته پیشگیری شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر استان اردبیل هستند، نسبت به تکمیل پرسش‌نامه و اعلام نظر در خصوص میزان تأثیر هر یک از شاخص‌های انواع پیشگیری، در پیشگیری از اعتیاد و جرائم مواد مخدر اقدام کرده‌اند. بر اساس اطلاعات به دست آمده از پرسش‌نامه‌ها، از انواع راهبردهای کاربردی پیشگیری از اعتیاد و جرائم مواد مخدر، پیشگیری خانواده‌محور به عنوان مؤثرترین روش پیشگیری شناخته شده است.

واژگان کلیدی: روش، پیشگیری، اعتیاد، جرائم، مواد مخدر

۱. کارشناس ارشد شیمی دانشگاه تبریز، پست الکترونیک: Ebrahim.ghorbani66@gmail.com

۲. کارشناس ارشد مدیریت اجرایی دانشگاه صنعتی مالک اشتر

مقدمه

برخی از افراد، موازین شرعی و قوانین اسلامی را در معاملات نادیده گرفته و دست به هر نوع معامله‌ای می‌زنند حتی اگر غیر شرعی باشد. همچنین در بکارگیری وسایل زندگی، خوردن و نوشیدن، لباس، مرکب و ...، اهمیتی به حلال و حرام نمی‌دهند و به استعمال محرّمات سرگرم هستند. شراب‌نوشی، قماربازی و برد و باخت، رباخواری و معاملات ربوی، دزدی و راهزنی، قتل و کشتار، تصرف بر اموال دیگران و ...، از جمله مسائلی است که برخی از مردم چنان سرگرم و مستغرق آنها هستند که روی تاریخ زمان جاهلیت پرده انداخته‌اند و جاهلیت فعلی بسیار بدتر از جاهلیت قبل از اسلام است. خرید و فروش و استعمال مواد خانمان‌سوز مخدر اعم از دودگرفتن، خوردن، استنشاق، تزریق و ...، حرکتی ویرانگر است که نه تنها دامنگیر اهل کفر و شرک شده، جوانان مسلمان را نیز آلوده کرده است.

موضوع مواد مخدر چنان مشکلی است که تمام جهان شرق و غرب را به‌سوی خود متوجه کرده است، و خطر آن بر جهان اسلام ملموس است. به‌ویژه در جهان امروز (که گویا دهکده‌ای بیش نیست)، هر نوع حادثه‌ای که در هر گوشه آن اتفاق افتد، کسانی که در گوشه دیگر زندگی می‌کنند تحت تأثیر قرار می‌گیرند. بنابراین، بر مسلمانان (اگر خواهان حفاظت نسل خویش هستند) لازم است که کوشش بیشتری برای تحکیم، نظارت قاطع بر محل‌های مشکوک و عناصر فساد به خرج دهند. همچنان که بر آن‌ها لازم است کوشش‌های پیاپی در توجیه و بیان و ارشاد داشته باشند تا این کوشش‌ها به هم پیوسته، سد محکمی در برابر مبلغان ضلالت و مروجان رذالت قرار گیرند. همانا خداوند متعال حفاظت ضرورت‌های پنجگانه که عبارتند از: دین، جسم، عقل، آبرو و مال را لازم قرار داده است. اما خرید و فروش و مصرف مواد مخدر می‌تواند این ضرورت‌ها را منهدم کرده و از بین ببرد؛ زیرا از اثرهای محسوس آن‌ها، این است که بسیاری از استعمال‌کنندگان مواد مخدر، نماز و روزه را ضایع کرده و بدون شرم و حیا مرتکب سایر منکرات می‌شوند و بدین‌وسیله حرمت دین را از بین می‌برند. همچنان که نفوس را از بین می‌برند، بسا اوقات معتادان خودکشی می‌کنند، یا بعضی از آن‌ها بعضی دیگر را می‌کشند. آمارهای جهانی بر این موضوع بهترین شاهد هستند. اما ضایع کردن عقل توسط مصرف مواد مخدر برای هر عاقلی

شناخته شده است و آن کسی که عقلش غایب شود، ندانسته مرتکب اعمال خلاف شده و آبرویش برای او آسان و سبک می‌شود؛ و این امری است قابل مشاهده در جهان مواد مخدر و معتادان که آبرویشان از تمام مردم سبکتر است.

در باره اتلاف مال نیز ثروتمندان زیادی بوده‌اند که به سبب استعمال مواد مخدر تنگدست شده‌اند، چقدر صاحبان منزل، آواره و بی‌خانمان شده و چقدر صاحبان خودرو که پیاده شده‌اند. در این تحقیق کوشیده‌ایم تا اسباب گسترش مواد مخدر در اسلام و حرمت سوء مصرف و معامله آن را زیر ذره‌بین برده و جوامع مسلمان را از عواقب مصرف آن و نظرات فقهای دینی آگاه سازیم.

روش تحقیق

از آن جایی که روش مورد استفاده در این تحقیق، روش توصیفی - کتابخانه‌ای است، این پژوهش فاقد ویژگی‌هایی مثل: جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری، ابزار اندازه‌گیری و روش اندازه‌گیری خواهد بود.

تعریف لغوی مخدر

مخدر مأخوذ از خدر است که به معنی ضعف و تبلی و سستی می‌آید. زمانی می‌گویند: «تخدر العضو» که عضو سست شود و نتواند حرکت کند. (خدر) از باب «سمع» می‌آید؛ گفته می‌شود: «خدر الشارب»، آن هنگام که نوشنده شراب سست و ضعیف شود.

خدر بر تاریکی مکان نیز اطلاق می‌شود، می‌گویند: «مکان أخدر و خدر»، وقتی که مکان تاریک باشد؛ و از اینجاست که به تاریکی شدید «خدره» گفته می‌شود و به هر آنچه جلو چشم را گرفته و حائل باشد می‌گویند: «أخدره». خدر بر سردی نیز اطلاق می‌شود؛ چنانکه می‌گویند: «لیلہ خدره»، به شبی که سرد باشد، و «یوم خدر» به روزی که سرد باشد. به طور خلاصه «خدر» بر معانی زیر اطلاق می‌شود:

تاریکی، سیر و سیاحت، چشم‌پوشی، سردی، لازم گرفتن چیزی و جایگزین شدن که همه این‌ها بزدلی، عقب‌ماندگی، سرگردانی، کودنی و بی‌غیرتی را به دنبال دارند و تمام این معانی در معتاد به مواد مخدر محقق هستند؛ اعم از این که مواد مایع را استعمال کند یا جامد آن را.

تعریف اصطلاحی

علامه «قرافی» آن را چنین معرفی کرده است: «هی ما غیب العقل و الحواس، دون أن یصحب ذلك نشؤه أو سرور». یعنی، (مخدر آن چیزی است که عقل و حواس را مختل کند، بی آنکه نشئه و شادی دربر داشته باشد). «عون المعبود» آن را چنین تعریف کرده است: «ما یغطی العقل دون حدوث طرب أو عریده أو نشاط». (آن چیزی که بدون پیش آمدن طرب، عریده یا نشاط عقل را پوشاند) و در «موسوعه فقهیه» آمده است: «التخدير تعطیه العقل من غیر شده مطربه» (تخدير پوشاندن عقل است، بی آنکه طریبی شدید دربر داشته باشد).

خلاصه این که هرگونه ترکیب گیاهی و شیمیایی که باعث دگرگونی در سطح هوشیاری مغز شده و باعث ایجاد اعتیاد در فرد و وابستگی به ماده مصرفی شود ماده مخدر نامیده می شود. این تعریف شامل تمام انواع مواد مخدر فعلی و آنچه در آینده پدید آید، می باشد (قربانی، ۱۳۹۱).

اعتیاد^۱

در لغت به معنی عادت کردن و یا خو کردن به چیزی است. سازمان ملل متحد اعتیاد را این گونه تعریف کرده است: اعتیاد، مسمومیت حاد یا مزمنی است که برای شخص یا اجتماع زیان بخش است و از طریق استعمال داروی طبیعی یا صنعتی ایجاد می شود. اعتیاد به مواد مخدر دارای سه ویژگی زیر است:

- احساس نیاز شدید به ادامه استعمال دارو و تهیه آن از هر طریق ممکن؛
- وجود علاقه شدید به افزایش مداوم میزان مصرف دارو؛
- وجود وابستگی روانی و جسمانی به آثار دارو، به طوری که در اثر دسترسی نداشتن به آن، علائم وابستگی روانی و جسمانی در فرد معتاد هویدا شود (شهیدی، ۱۳۷۵).

قچاق مواد مخدر

به خرید و فروش اجناس بدون پرداخت حق گمرک و یا جنسی که خرید و فروش آن غیر قانونی است، قچاق گفته می شود (قربانی، ۱۳۹۱).

چارچوب نظری و مفهومی تحقیق

تاریخ ظهور و گسترش مواد مخدر در جهان

با بررسی تاریخ ظهور مواد مخدر واضح می‌شود که دیر زمانی است در جهان مورد استعمال قرار گرفته است، ولی توجه به آن در قرون اخیر به صورت بی‌سابقه‌ای رو به افزایش است، به گونه‌ای که اصلاح‌طلبان، سیاست‌مداران و مربیان را در عالم حیران و پریشان کرده است؛ بنابراین برای جلوگیری از گسترش آن حدودی مقرر کرده‌اند. اگر از تاریخ استعمال مواد مخدر بررسی عمیقی به عمل آید، معلوم می‌شود که میلیون‌ها نفر دست به استعمال مواد مخدر طبیعی زده‌اند و از زمان‌های بسیار دور نسبت به استعمال آن افراط زیادی شده است. تاریخ تریاک بیش از چهار هزار سال پیش از میلاد مسیح است؛ زیرا لوحه‌ای از سومری‌ها به دست آمده است که دال بر این است و سومریان آن را گیاه سعادت می‌نامیدند. در اوایل قرن نوزدهم یک شیمی‌دان آلمانی به نام «ویلهلم آدام سرتورنر»^۱ توانست مرفین^۲ را از ماده تریاک^۳ جدا سازد و این نام را به نسبت «مورفیوس»^۴ یعنی معبود احلام و افسانه‌های یونان قدیم، بر آن گذاشته است. بعدها مرفین در جنگ‌های داخل آمریکا برای تخفیف دردهای ناشی از جراحات‌های جنگ بکار گرفته شد، اما چون پزشکان ملاحظه کردند که استعمال کنندگان این دارو به آن معتاد شدند، آن را به «مرض ارتش»^۵ نام‌گذاری کردند و در سال ۱۸۸۹ میلادی یک دانشمند انگلیسی توانست ترکیب «دی استیل مرفین»^۶ را شناسایی کند. وی آن را از مرفین استخراج کرد که بعدها برای معالجه معتادان مرفین به کار گرفته شد و در بازار به نام «هروئین» فروخته شد، اما متوجه نشدند که خطر آن به مراتب بیشتر از مرفین است.

ظهور و گسترش مواد مخدر در کشورهای اسلامی

به طور دقیق نمی‌توان آغاز ظهور مواد مخدر در کشورهای اسلامی را تخمین زد، زیرا منابع در دست، نسبت به تاریخ ظهور آن در بلاد مسلمان اختلاف دارند. علمای دینی

1. Friedrich Wilhelm sertürner
5. Army disease

2. Morphine
6. Di acetyl morphine

3. Opium

4. Morpheus

معتقد هستند که آغاز ظهور حشیش در بین مسلمانان در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم است، آنگاه که دولت تاتاری‌ها غلبه پیدا کرد. ظهور حشیش همراه بود با غلبه شمشیر چنگیزخان مغول بر کشورهای اسلامی که در اثر بروز گناهان به وقوع پیوست. امام بدرالدین زرکشی در کتاب «زهرالعریش فی تحریم الحشیش» تاریخ ظهور حشیش را سال ۵۵۰ هجری می‌داند. او می‌گوید: «گفته شده که ظهور آن بر دست حیدر در حدود سال ۵۵۰ بوده است، از این سبب آن را «حیدریه» نامیده‌اند. صورت ظهورش این است که چون حیدر از همراهانش فرار نمود، سرگردان با این بوته برخورد کرد و دید که بدون وجود باد برگ‌هایش تکان می‌خورند، با خود فکر کرد که این راز در درون آن نهفته است. سپس از برگ‌هایش کند و خورد و هنگامی که به سوی یارانش برگشت، به آن‌ها اطلاع داد که او در آن رازی نهفته دیده است و آنان را به خوردنش دستور داد (زرکشی، ۷۹۰ ه.ق). مقریزی در «الخطط للمقریزی» بر این باور است که ظهور حشیش در سال ۶۱۸ ه.ق به وسیله حیدر، مرشد فقرای متصوفه پدید آمد و به این سبب آن را «حشیشه الفقراء» گفته‌اند (مقریزی، ۱۴۲۲ ه.ق).

اسباب گسترش مواد مخدر در جهان اسلام

ضعف موانع دینی

شاید بارزترین سبب استعمال مواد، ضعف اعتقادات دینی استعمال‌کنندگان است، زیرا شخصی که متمسک به دین باشد، بسیار بعید است که دست به مواد مخدر زده و با خرید و فروش آن را گسترش دهد، دست به قاچاق بزند یا آن را استعمال کند؛ زیرا وقتی کسی با خداوند ارتباط داشته باشد و عبادات فرضی از قبیل نماز، روزه، زکات، حج و سایر عبادات را انجام دهد، امکان ندارد ارتباطی با مواد مخدر داشته باشد، زیرا این راه، راه شیطان است و ممکن نیست کسی که راه رحمان رحیم را برگزیده، به راه شیطان بازگردد. اما هرگاه، کسی هر اندازه از مسجد دور و از مجالس خیر گوشه‌گیر و از تربیت بزرگان کناره‌گیری کند، غالباً به مواد مخدر و راه‌های گمراهی نزدیک می‌شود، آیا پدران (اولیاء)، مربیان و اهل قلم مسئولیت خود را درک می‌کنند تا با آن جامعه را به تمسک به دین وا داشته و به سوی پروردگارشان رهنمون شوند و راه خیر و صلاح را به آن‌ها نشان دهند؟

خداوند می‌فرماید: (إِنَّ لَصَلْوَهُ تَنْهَىٰ عَنِ لَفْحَشَاءٍ وَ لَمُنْكَرٍ)؛ بی‌شک، نماز از فحشا و منکر باز می‌دارد (سوره عنکبوت، آیه ۴۵). رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نیز فرموده است: «دزد و شراب‌خوار با وجود داشتن ایمان دست به این کارها نمی‌زنند (بخاری، ۲۰۶ - ۲۶۱ ه.ق.)».

بیکاری و فراغت وقت

مسلمان متدین وقتی کلمه «بیکاری» را که در بین جوانان رد و بدل می‌شود، می‌شنود، به‌ویژه در هنگام تعطیلات تابستانی در حیرت می‌افتد. زیرا اسلام و مسلمان تعطیلی ندارد، یک مسلمان چگونه می‌تواند زمانی که تمام اوقات زندگی خود را، چه در زمان‌های رفت و آمد، خوردن و نوشیدن، خواب و بیداری به عبادت می‌گذرانند، به تعطیلی فکر کند؟ کسی که چنین وضعیتی داشته باشد، چه وقت فارغ و بیکار می‌شود؟! در حالی که خداوند می‌فرماید: «بگو نماز، حج، زندگی و مرگ من برای خداست که پروردگار جهانیان است، شریکی ندارد و به این امر شده‌ام و من نخستین مسلمانم (سوره انعام: آیه ۱۶۲-۱۶۳)». ولی با وجود این و با کمال تأسف فراغت و بیکاری یکی از مهم‌ترین اسباب روی آوردن به مواد مخدر است، چه این فراغت، از تحصیل علم و دانش باشد و یا بیکاری دیگری. آمارها و پژوهش‌ها، بلکه مصاحبه‌های دوره‌ای با زندانیان ثابت کرده‌اند که بیشتر آن‌ها (زندانیان) کسانی هستند که تازه به بلوغ می‌رسند و ارزش وقت را نمی‌دانند و از اشتغال به کارهای مفید شناختی ندارند. از این سبب است که شکار آن‌ها و گیر افتادنشان در دام مواد مخدر بسیار ساده و آسان است و این امری محسوس و ملموس است (احمدطیار، ۱۴۱۱ ه.ق.).

شاعر (ابوالعتاهیه) چه خوب سروده است:

إن الفراغ والشباب والجدد مفسده للمرءای مفسده

(همانا بیکاری، جوانی و ثروت برای انسان، مفسده‌ای بزرگ هستند).

و پیش از این رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرموده است: «نِعْمَتَانِ مَعْبُودٌ فِيهِمَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ، الصَّحَّةُ وَالْفَرَاغُ» یعنی دو نعمت به‌گونه‌ای است که بیشتر مردم در آن‌ها فریب خورده‌اند، تندرستی و بیکاری (بخاری، ۲۰۶ - ۲۶۱ ه.ق.). چقدر جوانانی وجود دارند که به بدی و راه‌های آن آشنایی نداشته و هیچ ارتباطی با آن ندارند، ولی به علت هم‌نشینی با

بدان کم کم لغزش می‌خورند تا بالاخره در دام هلاکت می‌افتند و جزئی از لشکر شیطان می‌شوند. این نیز روشن است که هرگاه جوان در راه‌های معاصی به طور عموم و به ویژه در راه خرید و فروش و استعمال مواد مخدر گام بردارد، به طور جدی می‌خواهد دیگران را هم در این دام بیفکند، حتی برخی از آن‌ها پیروزی و شکست خود را در این به حساب می‌آورند که چقدر از همراهان خویش را در این دام انداخته‌اند؛ و این چقدر مصیبت بزرگی است!

هم‌نشینی با بدان

از وقایع دیگر زندگی اثرپذیری جوانان از یکدیگر است، چه این تأثیر و تأثر در جانب مثبت باشد که به صلاح آنان تمام شود و یا در جانب منفی که به ضرر و هلاکت‌شان منتهی شود. نصوص بسیاری از قرآن و حدیث این مطلب را تأکید و توضیح داده است، خداوند متعال می‌فرماید: دوستان در آن روز دشمن یکدیگرند مگر پرهیزکاران (سوره زخرف، آیه ۶۷) و می‌فرماید: «او روزی که می‌گزد ظالم دوستان خود را و می‌گوید: ای کاش همراه با رسول راهی می‌گرفتم، ای کاش فلانی را دوست نمی‌گرفتم. او پس از این که آمد پیش من مرا از ذکر باز داشت» (سوره فرقان، آیه ۲۷-۲۹).

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرموده‌اند: «مثال هم‌نشین نیک و هم‌نشین بد، مانند عطر فروش و دم‌کننده کوره آهن‌گری است. یا خود عطر فروش چیزی از آن به تو می‌دهد، یا خود از او می‌خری و یا از او بوی خوشی به مشامت می‌رسد. ولی دم‌کننده دمه، یا لباس‌هایت را می‌سوزاند و یا از او بوی بد به مشامت می‌رسد (نیشابوری، ۲۰۶ - ۲۶۱ ه.ق).

مشکلات خانوادگی

مشکلات خانوادگی یکی از اسباب مهم افتادن در دام اعتیاد است، زیرا اختلاف زن و مرد نزد فرزندان، وقوع طلاق و غیبت یکی از والدین، هریک در مبتلا ساختن افراد خانواده به مواد مخدر اثر بسیار بزرگی دارد، زیرا هریک از این افراد می‌خواهد خود را از این زندگی فلاکت‌بار خانوادگی برهاند. به طور مثال، هرگاه بین پدر و مادر در یکی از امور اختلافی پدید آید بهتر است که درگیری آن‌ها دور از چشم فرزندان باشد، زیرا درگیری آن‌ها در جلو فرزندان آثار معکوسی به‌جای می‌گذارد و به جستجوی شرایطی می‌روند

که از فضای پر مشکل خانه آرام تر باشد، زیرا پیوستن آنان به پدر، مادر را هر چند کهرایش بر خطا باشد، خشمگین می سازد و برعکس پیوستن آنان به مادر، موجب تنفر پدر از آنان می شود و گاهی دست به اقدام بسیار بدی می زند، بدین گونه که آنان را از خانه طرد می کند و اینجاست که مصیبت واقع می شود.

هم چنین اگر درگیری منجر به طلاق شود؛ پدر در یک جهت به زندگی ادامه می دهد و مادر در جهتی دیگر و در این بین فرزندان قربانی می شوند، زیرا اگر با پدر زندگی کنند، برخورد بدی از نامادری خواهند دید و اگر با مادر زندگی کنند، اغلب شاهد فشار و برخورد نامناسبی از ناپدیری خواهند بود. ما نمی خواهیم با این بحث از اهمیت مشروعیت طلاق که برای بعضی از حالات یگانه راه علاج است، بکاهیم. ولی هدف ما این است که زن و مرد در هر خانواده فلسفه مشروعیت طلاق را درک کنند، تا این معالجه تبدیل به مرضی مهلک برای خانواده نشود که سبب از هم گسستن خانواده و پراکنده شدن فرزندان شود. در هر حال، هرگاه فرزندان تحت فشار چنین شرایطی قرار گیرند، در تلاش به دنبال فضایی بهتر می روند و اینجاست که دست های بد، آنان را به سوی مواد مخدر می کشانند و نابودی آنان آغاز می شود، بلکه چنان فاجعه و مصیبت هایی برای آنان و پدر و مادرانشان واقع می شود که اصلاً در خیال آنان نبوده است.

غیبت والدین یا یکی از آن دو نیز نتیجه مشابهی خواهد داشت: آن فرزندان که سرپرستی نداشته باشند، به آسانی در دام این سموم کشنده می افتند؛ زیرا خروج از خانه هر زمان و به هر کیفیتی که بخواهند برای آن ها میسر است و بلکه با هر کسی بخواهند می توانند تماس برقرار کرده و رابطه داشته باشند، زیرا هیچ کس مراقب آن ها نیست و کسی آن ها را دنبال نمی کند (ناصح علوان، ۱۴۳۵ ه.ق).

برخورد نامناسب با فرزندان

چنان که مشاهده می کنیم در بعضی از خانواده ها والدین یا یکی از آنان در نوازش فرزندان و برآوردن خواسته های آنان افراط می کنند، این روش آن ها را طوری بار می آورد که احساس مسئولیت نمی کنند و با پولی که در اختیار دارند هر چه بخواهند می خرند؛ مال در دست اولاد تربیت نیافته و نیخته نعمت و عذاب است، نه نعمت.

اینجاست که خداوند درباره یتیمان می فرماید: «یتیمان را بیازماید تا به سن نکاح برسند، سپس اگر از آنان رشدی احساس کردید اموالشان را به آنها بدهید» (سوره نساء، آیه ۶). و برعکس گاهی مشاهده می شود که والدین یا یکی از آنان (به ویژه پدر) بر فرزندان فشار می آورند و ناآگاهانه به ضرب و شتم و بد و بی راه گفتن آنان می پردازند و آنها را به باد مسخره گرفته برای شان ارزش قائل نمی شوند.

بدون تردید این گونه برخورد آنان را وا می دارد تا در جستجوی فضایی فرار گیرند که در آن احساس گرمی، محبت و مهربانی داشته باشند؛ گاهی آن فضای تلاش شده، خود آلوده است که این فرزندان ناآگاهانه در آن می افتند و از آن جمله یکی: تبعیض و برتری دادن بعضی از فرزندان بر بعضی دیگر است. این روش، در قلب آن فرزندی که تحقیر شده، داعیه ای پدید می آورد تا در جستجوی جایی دیگر که این کمبود را جبران کند، قرار گیرد. غالباً در این جستجو گرفتار دوستان ناباب می شوند، این اولین گام افتادن در دام مواد مخدر و فاجعه های آن است. این ها مهم ترین رفتاری ها و مشکلات خانوادگی است که سبب لغزش خوردن در راه مواد مخدر می شوند. این واقعیتی است که در لابلاي ملاقات با زندانیان در زندان لمس شده است.

فقر و تنگدستی

واضح است که هرگاه جوان در خانه به اندازه کافی غذا و لباس نداشته باشد و کسی را نباید تا بر زندگی کریمانه او را کمک کند و در مقابل ببیند که دوستان او در عیش و عشرت زندگی می کنند و او در این بین محروم است، به نحوی که قوت روز و شام شب نیابد، بدون تردید این جوان مجبور به فرار از خانه می شود تا بدین وسیله کسی را بیابد که او را کمک کند، در این وقت رفقای سوء (بد)، بدکاران و سوداگران مرگ و تباهی او را به چنگ می آورند، در آغاز او را کمک می کنند تا او را در دامی بیندازند که خود در آن افتاده اند (اسعدی، ۱۳۷۹).

تقلید کور کورانه و هم نشینی با اجانب

تقلید در زندگی نوجوانان بسیار دیده می شود، کسی را که دوست داشته باشند و او را بهتر

از خود تصور کنند از او تقلید و پیروی می کنند. جوان خوب از پدر، استاد و فلان عالم پیروی می کند؛ ولی جوان بد، از هنرپیشه گان، نوازندگان و افراد ولگرد و بی بند و بار تقلید می کند (همان منبع).

بدتر از همه این است که جوان بدون اینکه به عواقب کار بیندیشد از جرم پیشه گان و باندهای مجرم تقلید می کند، می بیند که جوان از فلان قاچاقچی مواد مخدر و یا فلان توزیع کننده پیروی می کند بدون آن که نسبت به عواقب این کار بیندیشد. نباید فراموش کرد که هم نشینی و تعارف اثر بزرگی در آلوده شدن به مواد مخدر دارد و این در عصر حاضر خیلی زیاد است. بدترین هم نشینی آن است که به حساب دین و اخلاق باشد.

مضرات مواد مخدر از دیدگاه اسلام

مواد مخدر انواع بسیار و دسته بندی های گوناگونی دارد که به مشکل می توان آن ها را در تقسیم و دسته بندی منحصر کرد، زیرا صنعت شیمی و داروسازی هر روز برای ما، ده ها نوع ترکیب که بر حسب تأثیر و نوع ترکیب باهم تفاوت دارند مطرح می کند. علامه ابن حجر هیتمی در کتاب خود به نام «الزواجر» ضررهای زیادی برای مواد مخدر ذکر کرده و فرموده است: در خوردن آن صد و بیست ضرر دینی و دنیوی وجود دارد که از آن جمله می توان موارد زیر را نام برد:

۱. فراموشی را پدید می آورد؛
۲. مرگ نابهنگام را به دنبال دارد؛
۳. در عقل خلل و فساد ایجاد می کند؛
۴. دندان ها را از بین می برد؛
۵. منجر به رعشه و لرزه بدن می شود؛
۶. بیماری های جذام، پسی و سل را ایجاد می کند؛
۷. حیا و عفت را از بین می برد؛
۸. مروت و احسان را نابود می کند؛
۹. شب کوری پدید می آورد؛

۱۰. ذکاوت و زیرکی را ضایع می کند؛

۱۱. کثرت خواب و سستی به دنبال دارد؛

۱۲. پرخوری ایجاد می کند؛

۱۳. درد سر پدید می آورد؛

۱۴. نسل را از بین می برد؛

۱۵. منی را می خشکاند؛

۱۶. نامردی پدید می آورد؛

۱۷. به هنگام مرگ شهادتین را فراموش می گرداند.

علامه ابن حجر هیتمی حکم آن را با حکم خمر (شراب) یکی قرار داده و گفته است: استعمال مواد مخدر گناه کبیره و فسق است همانند استعمال شراب، و هرآنچه در وعید شراب خوار آمده است، در حق استعمال کنندگان مواد یادشده، خواهد آمد؛ زیرا همه اینها در از بین بردن عقل اشتراک عمل دارند (هیتمی، ۱۴۰۷ ه.ق).

۱۳۰

سابقه تاریخی مواد مخدر در فقه

نفس مواد مخدر یک موضوع مستحدثه نیست، زیرا برخی از آنها در کلمات ائمه معصومین (علیه السلام) و فقهای قدیم آمده است. بنج، مفتقر، مخدر و افیون چهار عنوانی است که هم در روایات و هم در کلمات فقهای آمده و آثار و احکام شرعی مختلفی بر آن مترتب شده است، مثلاً شیخ طوسی در النهایه گفته است:

«من بنج غیره او اسکره شیء احتال علیه فی شربه و اکله ثم اخذ ماله عوقب علی فعله بما یراه الامام و استرجع عنه ما اخذ. فان جنی البنج او الاسکار علیه جنایه کان المبنج ضامناً لما جناه» (انصاری، ۱۳۶۷).

شبیبه همین عبارت را شیخ مفید در مقنه آورده و اضافه کرده است:

«فان جن البنج علی الانسان او المسکر من الشراب جنایه، لزمه ارشها بحسب ما یجب فیها لنقصان الجسم او العقل او الحواس» (بجنوردی، ۱۴۰۲ ه.ق).

عین همین فتوا را ابن البراج در مهذب (حبیب زاده، ۱۳۷۰)، ابن ادریس الحلی در السرائر

(حر عاملی، ۱۳۹۱ ه.ق.)، یحیی بن سعید الحلّی در الجامع للشرایع (حلی، ابن ادريس، ۱۴۱۰ ه.ق.)، علامه حلی (حلی، ابن سعید، ۱۴۰۸ ه.ق) در تحریر الاحکام و بسیاری از فقهای دیگر داده‌اند. عبارت این بزرگان نشان می‌دهد که بر موضوع مواد مخدر، مانند بنج که ظاهراً حشیش است واقف بوده و به آثار سوء جسمی و روانی آن چون زوال عقل، نقصان در جسم و حواس توجه داشته‌اند، اما هرگز مصرف این مواد به شکل امروزی با مسائل پیچیده آن مطرح و محقق نبوده و دو موضوع اعتیاد و قاچاق مواد مخدر به شکل امروزی وجود نداشته است، بلکه یا به‌عنوان دارو (که در موارد نادر استعمال داشته) و یا ابزاری برای ربودن مال دیگری تلقی می‌کرده‌اند و در عین حال قائل به حرمت آن بوده‌اند. به هر حال حرمت استعمال مواد مخدر و عدم فایده عقلانی مصرف آنها و مفاسدی که پیامد استعمال مواد مخدر است، حرمت تولید و قاچاق آن نیز روشن می‌شود. فقهایی که قائل به حرمت استعمال مواد مخدر هستند، قائل به حرمت تولید و قاچاق آن هم می‌باشند. حرمت این امور که تبیین آنها در این مبحث آمده، پایه و اساس مبانی مجازات قاچاقچیان مواد مخدر است. قاچاق مواد مخدر و معاملات آن را می‌توان از مصادیق و صغریات قواعد و احکام کلی فقهی متعددی دانست.

دلایل حرمت مواد مخدر از دید قرآن و معصومین

مذمت و حرمت «فساد» و «سکر و مستی» که در قرآن و کلمات پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌واله‌وسلم) و معصومان (علیهم‌السلام) آمده، از جمله دلایل حرمت مواد مخدر است؛ چنان‌که برخی از مراجع، فساد اجتماعی مواد مخدر را دلیل حرمت مضاعف آن گرفته‌اند و قاچاقچیان را از مصادیق بارز مفسدان فی الارض و نابودکنندگان حرث و نسل شمرده‌اند که اعدام آنها ضرورت دارد، زیرا اخلاق افراد جامعه را به فساد می‌کشاند و معتادان هم مجری نقشه‌های آنها هستند و در انتشار فساد اجتماعی و بدبختی خانواده، نقش اساسی دارند. آیا پول‌های گزاف در راه خرید مواد مخدر، اسراف و تبذیر نیست و از گناهان کبیره شمرده نمی‌شود؟ آیا مبذرین، به تعبیر قرآن از «یاران و برادران شیطان» نیستند؟ همان‌گونه که اصلاح جامعه واجب است، افساد جامعه نیز از محرّماتی است که عقوبت دنیوی و اخروی دارد. آیه «و اذا تولی سعى فی الارض لیفسد فیها و یهلك الحرث و النسل و الله لا یحب

الفساد» به مفسدان در زمین اشاره می‌کند. یکی از مصادیق بارز این آیه، فروشندگان مواد مخدر و مجریان نقشه‌های آنان هستند.

دلایل حرمت مواد مخدر از دید فقهای شیعه

موضوعات متعددی در خصوص مواد مخدر پدید آمده که هر کدام در فقه قابل مطالعه و بررسی است و باید به طور جداگانه به مبانی فقهی احکام آنها پرداخت. با توجه به حساسیت نظام جمهوری اسلامی نسبت به مواد مخدر و پیچیدگی مسائل مربوط به آن، تحقیق و اجتهاد فقهی در فروع مختلف مربوط به مواد مخدر و جرائم آن یک امر ضروری است؛ موضوعاتی مانند:

تولید اعم از زراعت و فرایند عمل‌آوری مواد مخدر، نگهداری، حمل و نقل، توزیع و فروش، مصرف و استعمال، ایجاد مراکز و مکان استعمال و ارائه خدمات و ابزار برای سهولت تولید، توزیع و مصرف، درآمد و سرمایه‌های حاصل از هر یک از مراحل تولید تا مصرف، کسب خبر و ارائه اطلاعات، مبارزه، درمان و ترک و... همه ناشی از مصرف و سودای مواد مخدر است که می‌تواند دارای سه بعد فقهی شامل: ۱- حکم تکلیفی، ۲- حکم وضعی، و ۳- کیفر و مجازات ارتکاب باشد. در خصوص حکم تکلیفی و حکم وضعی، گروهی از فقها، نفس مواد مخدر را ملاک قرار داده و آنها را در حکم سموم مهلکه دانسته و احکام آن را بر مخدرات جاری کرده‌اند. برخی، آثار شخصی و اجتماعی مواد مخدر را مد نظر قرار داده و از باب ضرر شخصی و اضرار اجتماعی درباره آن حکم کرده و فتوا داده‌اند. در هر حال چه نفس مواد مخدر و چه آثار مترتبه را ملاک قرار دهیم، می‌توان هر یک از موضوعات یادشده را از مصادیق و صغریات یک یا چند قاعده فقهی تلقی کرد، مانند:

۱. قاعده لاضرر؛

۲. قاعده حرمت اعانت بر اثم و عدوان؛

۳. قاعده حرمت مقدمه حرام؛

۴. قاعده غرور؛

۵. قاعده نفی سبیل.

از همین رو می‌توان از طریق تطبیق این قواعد، حکم وضعی و تکلیفی موضوعات یادشده را استنباط کرد. در خصوص جنبه کیفری و مجازات‌های ارتکاب جرائم مربوط به مواد مخدر بر اساس همین قواعد فقهیه علاوه بر تنقیح مناط حکم حدی مفسد فی الارض در خصوص برخی از موارد و جرائم مرتبط با مواد مخدر و اعمال آن مجازات، جمیع آنها را از باب تعزیرات شرعی و حکومتی دانست و به تناسب اوضاع، مصالح اجتماعی، شرایط خاص شخصی و خانوادگی مرتکب و به لحاظ اثرگذاری و اثرپذیری شخص مجرم از طریق نوع مجازات، میزان و کیفیت مجازات را مشخص کرد.

آیت‌الله فاضل لنکرانی (رحمه‌الله‌علیه) در بیان‌اتشان می‌فرمایند: «اگر مسئله اعتیاد را از بُعد انسانیت بررسی کنیم انسان عاقل نمی‌تواند با مواد مخدر هیچ‌گونه ارتباطی داشته باشد، برای این که مستلزم خروج از انسانیت است. چیزی که آدم را از بُعد انسانیت محروم می‌کند نمی‌تواند در شرع اسلام مجوزی داشته باشد. از این رو خیلی روشن است که اعتیاد به تریاک و هروئین، شرعاً جایز نباشد و جزء محرمات بزرگ به حساب آید».

آیت‌الله بهجت (رحمه‌الله‌علیه) نیز می‌فرمایند: «اعتیاد به مواد مخدر، حرام است، ضررخیز و مرض‌آور است. مصرف هروئین و نظایر آن نیز حرام است و اعتیاد به تریاک هم جایز نیست و احتراز و دوری از آن‌ها لازم است» (پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه).

آیت‌الله سبحانی می‌فرمایند: «بنا بر فتوای صریح آیت‌الله‌العظمی بروجردی که کشیدن تریاک را حرام دانسته‌اند، من هم آن را حرام می‌دانم، زیرا هر چیزی که یک نوع تخدیر در آن باشد حرام است. تریاک مواد مخدر است، هروئین مخدر است و بالاتر از همه، این ضررها عقل را نابود می‌کند و برای جسم و جان مضر است».

آیت‌الله مکارم شیرازی می‌فرمایند: «مواد مخدر به هر شکل و هر صورت، استعمالش حرام است و تمام کسانی هم که دست‌اندرکار پخش و گسترش آن به هر نحو باشند کار آنها حرام است، معاملاتش نیز قطعاً حرام است. کشت مواد مخدر در شرایط فعلی حرام است، همچنین همه دست‌اندرکاران آن کارهایشان حرام است و در واقع شبیه آن چیزی است که پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در باره شراب می‌فرماید که خداوند ده طایفه را در رابطه با شراب لعن کرده است یعنی از رحمت خودش دور ساخته است، مواد مخدر هم عیناً همان است و بلکه بدتر است، و اگر چنین شرایطی در صدر اسلام بود و آیات قرآن

نازل می‌شد به یقین آیاتی شدیدتر درباره مواد مخدر نازل می‌شد، ولی از اصولی که در فقه اسلامی داریم این حکم به خوبی روشن می‌شود. استعمال مواد مخدر از محرمات مسلمه است و ضررهای مادی، معنوی، اجتماعی و اقتصادی آن بر هیچ عاقلی پوشیده نیست و از همه بدتر این که مواد مخدر به صورت یکی از ابزارهای مخرب استعماری درآمده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱).

آیت‌الله صانعی می‌فرماید: «گناه مواد مخدر در ردیف گناهان دیگر نیست. حرام بودن آن مانند حرام بودن یک دروغ معمولی نیست و یا مثل غیبت کردن از یک مسلمان در سطح پایین نیست؛ این نوع حرام‌ها منجر به فساد در جامعه نمی‌شود؛ اما مواد مخدر منجر به فساد اجتماعی در گستره زمین می‌شود و باید به هر قیمتی که شده از آن جلوگیری کرد» (پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه).

امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) معتاد کردن مردم را یک توطئه می‌داند و می‌گویند: «این‌ها می‌خواستند که هر فکری را که احتمال بدهند این فکر در مقابل آن‌هاست، اگر بتوانند، فکر را از او بگیرند. فکر را چطور بگیرند؟ به اعتیاد به مشروبات، به اعتیاد به هروئین و امثال این مخدرات که فکر انسان را می‌گیرد، انسان را میان تهی می‌کنند...». ایشان در جای دیگری درباره اعتیاد می‌فرمایند: «استعمال مواد مخدر جایز نیست، پول آن حرام است و ارتزاق از آن جایز نیست». ایشان در بخش دیگری از سخنان خود، از اعتیاد و قاچاق مواد مخدر به عنوان فساد نسل یاد می‌کنند و می‌گویند: «پخش هروئین یک توطئه است. تریاک آوردن و پخش کردن بین مردم، هروئین آوردن و پخش کردن بین جوان‌های ملت ما، ملت را از بین خواهد برد. این‌ها قبل از این که عذاب الهی برایشان بیاید، قبل از این که شلاق الهی به این‌ها بخورد خودشان ملاحظه کنند و ترک کنند. این راه راه جنایت است. این، کشتن جوان‌های برومند ماست، این فساد نسل است، نسل را فاسد می‌کند» (همان منبع).

آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی): «استعمال هر گونه مواد مخدر و استفاده از آن به ملاحظه مضرات فردی و اجتماعی که بر آن مترتب است، شرعاً حرام است» (همان منبع).

آیت‌الله نوری همدانی: «استعمال تریاک و سایر مواد مخدر و حمل و نقل آن‌ها برای استعمال و خرید و فروش آن‌ها حرام است» (همان منبع).

دلایل حرمت مواد مخدر از دیدگاه فقهای اهل سنت

علامه محمد امین شامی معروف به ابن عابدین در «رد المحتار»، امام نووی در «روضه»، علامه زرکشی در «زهر العریش»، علامه ذهبی در «الکبائر»، علامه ابن قیم در «زاد المعاد»، علامه ابن حجر هیتمی در «الزواجر» و علامه صنایعی در «سبل السلام» مواد مخدر و مسکرات را حتی اگر مایع نباشد حرام دانسته‌اند. همان‌طور که قبلاً اشاره شد در میان فقهای اهل سنت نیز فتوا به تحریم استعمال حشیش و بنگک سابقه‌ای طولانی دارد. در این که مصرف‌کننده مواد اعتیادآور بر چه اساسی قابل مجازات است سه نظر در میان آنان به چشم می‌خورد:

الف) عده‌ای با استناد به «کل مسکر خمر و کل خمر حرام» و «نهی النبی عن کل مسکر و نقر»، مواد مخدر را در زمره مسکرات قرار داده و به نجس بودن، حرمت و مشمول حد شدن مرتکب آن فتوا داده‌اند.

ب) گروهی دیگر، خریدار، فروشنده و حتی کسی را که مواد مخدر را استعمال می‌کند، مستحق مجازات محارب دانسته‌اند که عبارت است از قتل، به‌دار آویختن و...، ولی مجلس هیئت کبار علما در عربستان سعودی در قرار شماره ۲۳۸، فقط قاچاقچی مواد مخدر را در حکم محارب دانسته است.

ج- گروه سوم، ضمن فتوای به حرمت مواد مخدر و حرمت معالجه با آن جز در موارد ضروری، نسبت به کسی که آن را استعمال کند، قائل به تعزیر شده‌اند (احمد طیار، ۱۴۱۱ ه.ق).

تأثیرات مواد مخدر بر دین و ایمان

مواد مخدر از چند جهت برای دین و ایمان ضرر دارند؛ زیرا وقت را ضایع و عقل را از بین می‌برند و هرگاه انسان وقت و عقلش را از دست بدهد، این منجر به از بین رفتن بزرگ‌ترین رکن از ارکان اسلام مانند نماز می‌شود. این از مسلمات است که بعضی از انواع مواد مخدر، استعمال‌کننده را ساعت‌های طولانی یا چند روز، چنان تحت تأثیر قرار می‌دهند که توجهی به هیچ چیز نداشته باشد. واقعاً خداوند متعال درست فرموده است: شیطان می‌خواهد به وسیله شراب و قمار، بین شما دشمنی و بغض ایجاد کرده و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد. (سوره مائده، آیه ۹۱). هیچ‌گونه شک و تردیدی وجود ندارد که

مبارزه بین انسان و نخستین دشمن او، ابلیس تا قیامت مستمر و برقرار است؛ زیرا شیطان لعین قسم خورده است که تمام نیرویش را برای گمراه ساختن انسان و دور نگه داشتنش از عبادت پروردگار و بازداشتنش از سعادت دنیا و عقبی به کار گیرد. معرکه‌ی زندگی بین دشمن لدود و انسان ضعیف در کشمکش است، دشمن لعین با هر وسیله ممکن در پی گمراه کردن انسان قرار گرفته است، گاهی از راه معصیت، گاهی از راه غلو در طاعت، زمانی از راه خون‌ریزی و کشتار و گاهی از راه خرید و فروش و استعمال مواد مخدر. اسلام گران‌قیمت‌ترین نعمتی است که به دست مسلمان رسیده است. بنابراین، هرگاه مسلمان آن را حفظ و از آن نگهداری کند، از گمراهی و اغوای شیطان در امن قرار می‌گیرد؛ ولی اگر کوتاهی کرده و آن را ضایع کند، لقمه خوشگوار برای شیطان خواهد شد، آن‌چنانکه به دستور او راه می‌رود و مشورت او را می‌پذیرد و در این صورت ارتباطش با خدا ضعیف شده و راه مواد مخدر را طی می‌کند و هرکسی که در دام مواد مخدر بیفتد، اقدام نمودنش به هر جرم و جنایت از قبیل قتل، دزدی، آبروریزی و ... آسان می‌شود. نهان شدن عقل که در اثر نشئه و تحذیر پدید می‌آید، با بیداری دائمی که اسلام آن را بر قلب مسلمان لازم قرار داده تا در هر لحظه با خداوند در ارتباط و در هر امر خطرناک در انتظار او باشد، منافات دارد. باز با این بیداری، باید در رشد و تجدید زندگی و نگهداری آن از ضعف و فساد و حمایت نفس، مال، آبرو و حمایت امنیت جامعه، شریعت و نظام آن از هر تجاوز و تعدی، همیشه کارهای مثبت انجام دهد. فرد مسلمان لجام گسیخته و آزاد نیست که در هر لذت و عیشی مشغول شود، بلکه لازم است در هر لحظه، نسبت به اجتماعی که در آن زندگی می‌کند و هم‌چنین نسبت به مقام انسانیت که به آن منسوب است وظایف و تکالیفی داشته باشد و از او با این بیداریش خواسته شده تا این وظایف و تکالیف را انجام دهد. اما یک فرد آلوده به مواد مخدر نمی‌تواند این‌گونه وظایف و تکالیفش را انجام دهد. زیرا او عقلش را از دست داده، قلبش را فاسد گردانیده و مغلوب الحال قرار گرفته است که دارد در غیبت عقل، دور از واقعیت زندگی می‌کند. آری، این غیبت در حقیقت به جز اینکه گریزی از واقعیت زندگی باشد چیزی دیگر نیست؛ و تمایل و توجهی است به آن اندیشه‌ها و افکاری که پس از استعمال مواد به او دست داده است. اسلام این راه و روش را برای انسان نمی‌پسندد، زیرا این راهی منفی

است و کسی که این راه را طی می‌کند، عضوی سست و بیکار در جامعه است، بلکه چون خشتی فاسد برای ساختمان اجتماع است و همان‌گونه که حیوان گرگ، حیوان سالم را مبتلا به گرگی می‌کند، شخص فاسد نیز شخص سالم را فاسد می‌کند. بی‌شک و تردید، اثرات مواد مخدر نسبت به دین خیلی خطرناک هستند، چه ضرری خطرناک‌تر از این است که کسی عقل، شرف و اخلاق را از دست بدهد؟! و آیا رخنه‌ای بزرگ‌تر از این می‌تواند در جامعه پدید آید که شیوع اعتیاد منجر به فرقه‌گرایی و درگیری و اختلاف است؟! این است دستاورد مواد مخدر! (همان منبع)

سفاهت و محجوریت معتاد

الف) به نظر می‌رسد صرف مال در مواد مخدر و مصرف آن از مصادیق اسراف است. البته برخی از فقها که بحث حرمت اسراف را مطرح کرده‌اند تصریح نکرده‌اند که صرف مال در مواد مخدر از صغریات قاعده حرمت اسراف است اما اعتیاد به الکل و شراب را مورد اشاره قرار داده و هزینه کردن در آن‌ها را مصداق اسراف دانسته‌اند، از همین رو می‌توان با تنقیح مناط و بسا با قیاس اولویت هزینه کردن معتاد برای استعمال مخدر را از نظر آن فقها مصداق اسراف دانست، زیرا کسانی که صرف مال برای شراب را مصداق اسراف دانسته‌اند به این جهت بوده که اولاً، منجر به ضرر می‌شود و ثانیاً، مصرف در معصیت خداست و این دو جهت اگر نگوییم به طریق اولی در صرف مال در استعمال مواد مخدر وجود دارد، عیناً یافت می‌شود، زیرا استعمال مواد مخدر هم منجر به ضرر می‌شود و هم با توجه به حرمت آن صرف مال در معصیت خداوند است. از طرف دیگر برخی از فقها عنوان سفیه را برای شخص مُسرف اثبات کرده‌اند و با توجه به احکام دیگری که برای شخص مصرف‌کننده مواد مخدر در لابه‌لای کلمات فقها به چشم می‌خورد، صحت حکم به سفاهت و محجوریت فرد معتاد امر بعیدی نیست. البته نمی‌توان در جمیع موارد اسراف، حکم به سفاهت مُسرف داد، اما در مواردی که شخص توان و اراده خودداری از اسراف را از دست می‌دهد و این امر به صورت یک عادت غیرارادی در می‌آید، مانند فرد معتاد به مواد مخدر می‌توان وی را سفیه و محجور دانست.

ب) فقها معاملات شخصی را که اقدام به خودکشی کرده و ضربه مهلکی به خود وارد نموده

باطل می‌دانند؛ حتی اگر معاملات او در این حالت عقلایی به نظر برسد و حتی فتوا به بطلان وصیت یا هبه در یک سوم اموالش را داده‌اند و برخی این حکم را از باب سفاهت وی دانسته و گفته‌اند که عمل وی کشف از سفاهت او می‌کند. به نظر می‌رسد معتاد را بتوان از صغریات این فتوا تلقی کرد، زیرا فرد معتاد به مواد مخدر در واقع شخصی است که به خود ضربه مهلکی وارد کرده و خود را در فرایند خودکشی و هلاکت قرار داده است، بنابراین با احراز موضوعی این امر می‌توان از این باب حکم به سفاهت و محجوریت وی کرد و به بطلان جمیع معاملات و توقیف اموال و سپردن آن به دست حاکم یا والی یا ولی، رای داد.

ج) فقها در مواردی همان‌گونه که معاملات سکران را باطل دانسته‌اند جمیع معاملات شخصی را که مواد مخدر مانند بنج استعمال کرده، باطل اعلام کرده‌اند و این نیست مگر از باب اینکه به جهت زوال عقل و ناتوانی ارادی و دماغی قادر به تصمیم‌گیری در خصوص اموال نیست و نمی‌تواند صلاح اموال خود را اعمال کند. کسی که نتواند صلاح یا فساد اموال خود را تشخیص دهد یا اعمال کند سفیه و محجور است. مصرف‌کننده مواد مخدر به خصوص زمانی که دچار اعتیاد شدید شده باشد هر روز باید مصرف خود را افزایش دهد و برخی از معتادان بالاخره جمیع اموال خود را در مسیر سفاهت مصرف می‌کنند و هرگز نمی‌توانند جلوی صرف اموال در راه غیر صلاح مالی خود را بگیرند و این چیزی جز تعریف سفیه در فقه نیست و می‌توان آن را بر فردی که دچار اعتیاد شدید شده منطبق دانست (نجفی، ۱۴۰۰ ه.ق.).

یافته‌های تحقیق

یکی از راه‌های پرهیز از شر مواد مخدر کاشت ارزش‌های اسلامی است و هرگاه این به پایه تکمیل برسد پشت سر آن مردم را به سوی عبادت تشویق و ترغیب می‌کند و آن را محبوب دل‌ها قرار می‌دهد تا در یک فضای ایمانی زندگی خود را بسر ببرند و کاملاً از فضای رذیلت و حب منکرات دور باشند، زیرا قلب انسان همیشه احساس نیاز به سوی خدا دارد و این شعور و احساس اصیل و صادقی است که جای آن را هیچ چیزی نمی‌گیرد بجز این که مردم ارتباط خود را با خدا برقرار کنند و به این سبب عبادت برقرار می‌شود بشرطی که به وجه مشروعی ادا شود. پس نزد دل‌های سالم، ارواح پاکیزه و عقل‌های فهمیده

چیزی برتر، لذیذتر، پاکیزه و خوشحال کننده تر از محبت خدا، انس به او و شوق ملاقات با او نیست و آن شیرینی‌ای که مؤمن در قلبش در نتیجه آن عبادت حاصل می‌کند هیچ حلاوتی بالاتر از آن نخواهد بود. این دل بجز با عبادت خدا و توجه به سوی او اصلاح نمی‌شود و فلاح و پیروزی را نمی‌یابد و به سکون و آرامش نایل نمی‌شود. هرگاه محبت خدا در قلب جایگزین شود تمام محبت‌های دیگر را هر چند مستحکم باشند بیرون می‌راند، از اینجاست که عبادت مفیدترین علاج برای بسیاری از امراض و سم‌ها که یکی از آن‌ها استعمال مواد مخدر است، می‌باشد و عبادتی که ما اشاره کردیم، مفهومی است که این لفظ کامل و شامل آن را دربر دارد و کافی است که ما، در اینجا بر تعریفی از علمای دینی اکتفا کنیم، چنان‌که می‌گوید: «عبادت اسمی جامع است که شامل تمام آن چیزهایی است که خداوند آن‌ها را دوست دارد و می‌پسندد، از قبیل اقوال و اعمال باطن و ظاهر مانند نماز، زکات، روزه، حج، راستگویی، ادای امانت، نیکی و احسان با مادر و پدر، پیوند خویشاوندی، وفا به عهد و پیمان، امر به معروف و نهی از منکر، جهاد با کفار و منافقان، احسان به همسایه، یتیمان، مساکین، مسافران و مملوکان چه از بهایم و چه از انسان‌ها، دعا، ذکر، قرائت قرآن و همچنین محبت خدا و رسولش، ترس خدا و توجه به سوی او، اخلاص در دین، صبر، حکمت، سپاسگزاری نعمت‌های خدا، رضا به قضای او، توکل بر او، امیدوار شدن به رحمتش، ترس از عقوبت و عذابش و امثال آن‌ها از عبادات خداوندی» (احمد طیار، ۱۴۱۱ ه.ق). می‌توان گفت که تمام زندگی مسلمان عبادت خداست که در آن جایی برای انحراف و مجالی برای خرید و فروش و جلسات فسق و استعمال مواد مخدر وجود ندارد. چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید: «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ لَعَلِّمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ» (سوره انعام، آیه ۱۶۲-۱۶۳). شریعت اسلام شریعتی کامل و جاویدان است. بنابراین، قوانینی را پیاده کرده که ضامن مصالح مردم در معاش و معادشان باشد، از جمله آن‌ها می‌توان به مشروعیت بعضی از مجازات‌ها برای کسانی که در نظام اجتماعی خلل ایجاد می‌کنند و یا نسبت به آبروی فردی تعرض می‌کنند یا بر حقی از حقوق خصوصی یا عمومی تجاوز می‌کنند اشاره کرد. ترویج مواد مخدر باعث از بین رفتن اخلاق و ارزش‌ها در جامعه اسلامی است و این از باب ترویج منکرات و تعاون علی‌الایثم و العدوان است که

خداوند از آن در کتابش مردم را بر حذر داشته است، چنان که می‌گوید: «بر گناه و تجاوز همکاری نکنید» (سوره مائده، آیه ۲).

علت همه این‌ها دوری از مسیر خداوند، انحراف از صراط مستقیم و سرازیر شدن آنان به سوی دنیا و لذت و شهوات آن است. کسانی در طول و عرض ممالک اسلامی پیدا شده‌اند که در ترویج و گسترش این سم قاتل از پانمی‌نشینند، و سعادت موهوم آنی خویش را بر بدبختی و هلاکت دیگران بنا می‌کنند. هر کسی که دست به این سم مهلک بزند، چه از نظر کشت، تجارت و خرید و فروش و چه از نظر استعمال، در حق خود و جامعه مرتکب جرم شده است و باید جلو دست او را گرفت حتی اگر به مرگ او تمام شود، تا جامعه در امنیت قرار گیرد و بازیگران مجرم آن را ملعبه خویش قرار ندهند. بسیاری از کشورهای اسلامی با آرامش کامل زندگی می‌کردند که از هیچ راهی از مواد مخدر اطلاع نداشته اما استعمار در گسترش آن در کشورهای اسلامی با هر وسیله‌ای پیش رفت، بلکه حتی بر کشت آن در ممالک اسلامی کمک کرد. بهترین مثال آن، فعالیتی است که بریتانیا در هند انجام داده و مردم را به کشت خشخاش در کل کشور وادار کرد. از اینجاست که می‌بینیم کشورهایی که خداوند آن‌ها را از استعمار محفوظ نگاه داشته است، گسترش مواد در آن‌ها به نسبت بسیار کم است. به هر حال، در هر کجا که استعمار داخل و خارج شده است، اهل آن را در جرایم و مشکلات گوناگون مبتلا کرده است، و همین اسم استعمار برای تمثیل استعباد (برده گرفتن) تذلیل و به وحشت انداختن کافی است. در اینجا اسباب بسیار دیگری نیز وجود دارد، مانند مشکلات وضعیت کارها، بی‌توجهی به خداوند در مصائب و شداید، کثرت مواد، فرار از مرض روانی و عضوی، دعوت مغرضانه، گسترش بیکاری، گسترش فیلم‌های مبتذل، مشقت‌های غربت و دوری از اهل و عیال، محیط نامناسب، زندان‌ها در بعضی از کشورهای اسلامی؛ زیرا آن‌ها محلی برای گسترش مواد مخدر هستند، و نبودن سزای مناسب ریشه‌کن‌کننده در بسیاری از کشورهای اسلامی. این‌ها بارزترین اسباب ظاهری هستند، امکان دارد اسباب دیگری نیز وجود داشته باشد که ما به آن‌ها پی نبرده‌ایم. (محمد ابراهیم الحسن، المخدرات والمواد المشابهة). مواد مخدر از بزرگ‌ترین اسباب گسترش جرم و جنایات در جامعه آلوده به آن است، زیرا معتاد در اکثر اوقات تبذل و از کار افتاده است که توانایی انجام هیچ‌گونه کاری که به نفع خود او یا دیگری باشد، ندارد و نمی‌تواند

در میدانی از میدان‌های رشد و تولیدی از قبیل اقتصادی، کشاورزی، اجتماعی، عمرانی و صنعتی شریک باشد. همچنان او عاری از احساس مسئولیت است، زیرا برای پذیرفتن هر نوع مسئولیتی هیچ‌گونه اهلیتی ندارد؛ برای این که او از نظر دیانت ضعیف است و کسی که دارای چنین وضعی باشد، انگیزه جرم و جنایت نزد او بسیار خواهد شد. پژوهش‌هایی که بر بعضی از معتادان انجام گرفته، ثابت کرده‌اند که اعتیاد و ارتکاب جرم با هم مناسبت و ارتباط تنگاتنگی دارند. ضرر خطرناک امنیتی مواد مخدر با رفتار دشمنانه و گناه کارانه‌ای که قاچاقچیان مواد مخدر و ترویج‌دهندگان و مصرف‌کنندگان با مأموران نیروهای انتظامی به‌هنگام دستگیری آن‌ها انجام می‌دهند، به‌خوبی روشن است. بسیاری از شهرها (و کشورها) شاهد معرکه‌های خونین بین مأموران انتظامی و سوداگران مواد مخدر بوده‌اند. شهرهای محبوب ما با وجود امنیت خدادادی، از این رفتارهای تجاوزکارانه و دشمنانه در امان نیستند، بلکه چندین بار بین مأموران انتظامی و قاچاقچیان مواد مخدر برخورد و درگیری اتفاق افتاده است. البته نسبت به کشورهای دیگر این امر خیلی کم اتفاق می‌افتد که باید سپاس خدا را به‌جای آوریم.

نتیجه‌گیری

چنان که در آرای فقهی و فتاوی‌ای مراجع اشاره شده است، خرید و فروش و استعمال مواد مخدر و اعتیاد به آن چون ضررهای فردی و اجتماعی دارد و بی‌شک انسان را از پیشرفت دنیوی و تعالی اخروی باز می‌دارد، حرام است. حال با توجه به این حرمتی که مستند به ادله شرعی است، باید مواد مخدر و ترویج آن را از جمله «منکرات» به‌شمار آورد. از این رو کاشت ارزش‌های اسلامی و تکیه بر صراط مستقیم با استدلال بر فتاوی‌ای مراجع می‌تواند بهترین مسیر در دوری جستن از این بلای خانمان‌سوز باشد. همه مردم به ویژه نخبگان وظیفه دارند، جامعه را از ابتلای به آن بازدارند و بیش از پیش آن را در نظر مردم قبیح جلوه دهند. زیرا هر اندازه قبح و زشتی اعتیاد در نظر افراد بیش‌تر باشد، احتمال گرفتاری آنان در دام اعتیاد، کاهش خواهد یافت.

مسئله وجوب جلوگیری از ضرر در فقه شیعه و اهل سنت به‌حدی اهمیت دارد که فقها در مواردی مثل روزه با احتمال ضرر وجوب آن را منتفی دانسته و حتی به حرمت آن فتوا

داده‌اند. در مورد مواد مخدر در جایی که ضرر آن قطعی است به یقین استعمال آن حرام خواهد بود. آرای فقها و فتاوی مراجع، استعمال مواد مخدر را از محرمات شرعی دانسته و به دنبال آن تولید و قاچاق آن نیز حرام شرعی است. دارایی و ثروت رگ حیات است، نیرومندی و مکانت و منزلت هر دولتی از وضع اقتصادی آن اندازه گیری می‌شود؛ مواد مخدر خطرناک‌ترین راه پایین آوردن وضع اقتصادی هر کشور و هر دولتی است؛ هر چند قوه اقتصادی او در وضع خوبی باشد.

ضررهای مواد مخدر را می‌توان در امور زیر خلاصه کرد:

۱. استعمال مواد مخدر و به دنبال آن تولید و قاچاق آن نیز حرام شرعی است؛
۲. قاچاق مواد مخدر و تمام معاملات آن را می‌توان از صغریات و مصادیق قاعده لا- ضرر، قاعده حرمت اعانت بر اثم و عدوان، قاعده حرمت مقدمه حرام و قاعده نفی سبیل تلقی کرد؛
۳. سفاهت و محجوریت معتاد، بطلان جمیع معاملات مواد مخدر و عدم تملک سرمایه‌های کسب شده از طریق معامله و قاچاق از مهمترین احکام وضعی موضوع مواد مخدر هستند.
۴. باید در کمیت و کیفیت مجازات بین مصرف کننده و قاچاقچی مواد مخدر تفاوت گذاشت. مصرف کننده مشمول تعزیر است و حکم به محجوریت او و سلب حق هرگونه تصرف مالی از وی تا زمان ترک اعتیاد قابل توجیه و توجه است.
۵. با توجه به دو عنصر جرم افساد فی الارض یعنی تکرار جرم و سرایت آثار سوء به بیش از سه نفر، بر حسب میزان قاچاق مواد مخدر یا دفعات ارتکاب جرم قاچاق، فرد قاچاقچی مشمول حد مفسد فی الارض شده و مستحق مجازات اعدام می‌شود.
۶. داد و ستد مواد مخدر و ترویج آن کسبی نامشروع و حرام است، ولی تاجران مرگ، فقط دنبال ثروت هستند به هر وسیله‌ای که باشد حتی اگر به ضرر جامعه تمام شود.
۷. شریک ساختن هر فردی در تولید، در گرو نیروی بدنی اوست. هرگاه فرد به اعتبار جسم، سالم و از نظر ذهن و فکر، بیدار و هوشیار باشد، در مسیر اقتصادی جامعه،

در زیربنای خوبی قرار می‌گیرد و برعکس، هر اندازه فرد، ضعیف‌الجسم و کوتاه فکر باشد، برای اجتماع در اساس نامناسبی قرار می‌گیرد و در نتیجه نمی‌تواند در مسیر اقتصادی جامعه سهیم باشد.

۸. در هر جامعه‌ای که استعمال مواد مخدر زیاد باشد، تبلی و بیکاری در آن گسترش می‌یابد، همه مردم تنها مشغول به مواد مخدر می‌شوند و این منجر به تولید اندک خواهد شد.

۹. کشاورزی و دیگر مشاغل به علت کثرت بیکاری و تبلی رو به کاهش می‌گذارد، از اینجاست که بسیاری از مردم مجبور می‌شوند از خارج کارگر بیاورند که همه این‌ها در اقتصاد کشور اثر منفی به جای می‌گذارند.

۱۰. مواد مخدر سلاحی بس خطرناک است که دشمن آن را به خاطر جلب کردن منافع ملت اسلامی و ربودن ثروت و اموال آن‌ها به کار می‌برد. دشمنان دست به دست هم داده‌اند تا این سلاح را برای رسیدن به دو هدف بزرگ و اصلی به کار گیرند، یکی ربودن ثروت و اموال مسلمانان؛ دوم تضعیف اساس اجتماع اسلامی. خطرناک‌ترین، بیشترین و واضح‌ترین ضررها، ضررهای اجتماعی مواد مخدر به حساب می‌آیند، زیرا دامن‌گیر فرد، خانواده و جامعه هستند.

۱۱. هر گاه در جامعه‌ای مواد مخدر گسترش یابد، بیماران زیاد می‌شوند و آنگاه که بیماران زیاد شدند، ضعف و سستی در جامعه پدید می‌آید و جامعه نمی‌تواند از خود دفاع کند؛ بلکه به تنهایی نمی‌تواند مایحتاج خود را فراهم سازد.

۱۲. شیوع مواد مخدر، ارتکاب به جرم و جنایت را برای خریداران و فروشندگان سهل و آسان می‌کند و بر وضعیت معیشت، امنیت، آرامش، آموزش و پرورش و اخلاق مردم و خانواده‌ها اثر بد و خطرناکی می‌گذارد.

۱۳. در خانواده‌هایی که به گونه‌ای درگیر اعتیاد هستند، وقوع طلاق و از هم‌پاشیدگی خانواده به کثرت اتفاق می‌افتد.

۱۴. استعمال مواد مخدر به وسیله فردی از افراد خانواده سبب می‌شود که بقیه افراد به سوی این بلای خانمان سوز کشانده شوند، به ویژه وقتی که استعمال‌کننده در خانواده پدر باشد، زیرا فرزندان از او تقلید کرده و بر اخلاق او رشد می‌کنند،

چنانکه شاعر می گوید:

- جوانان نیز می گیرند نشأت بر آن چه داده عادتشان پدرها
یعنی، نشأت جوانان ما بر آن چیزی قرار می گیرد که پدر به او عادت داده است.
۱۵. آنان که مواد مخدر استعمال می کنند، متصف به صفات زشت می شوند و به عادت های بد، مانند: دروغ، بزدلی و بی احترامی به ارزش های اسلامی و اخلاقی خو گرفته و آن ها را بین مردم رواج می دهند.
۱۶. مواد مخدر ضررهای سیاسی زیادی نیز خواهد داشت. دولت اسرائیل اقدام به ترویج مواد مخدر در برخی از کشورهای عربی کرده است تا بر آن ها فشار سیاسی وارد کند و در نتیجه بتواند اهداف توسعه طلبی خود در منطقه را تحقق بخشد.
۱۷. بسیاری از کشورها مواد مخدر را در کشوری دیگر به خاطر بهره برداری از آن گسترش می دهند، و آن هم برای به دست آوردن اسرار مهم و تفرقه افکنی در بین مسلمانان است که بدون به کارگیری مواد مخدر به دست نمی آیند.
۱۸. تنها راه مطمئنی که استکبار بتواند به وسیله آن وارد کشورها برای استعمار شود مواد مخدر است، برخی اوقات کشورهای ابرقدرت دست به توزیع و پخش مواد مخدر در کشورهای کوچک اسلامی می زنند، تا استعمار و سرکوب کردن آن ها آسان شود و آن ها را به گونه ای بار آورند که بدون زحمت و کاربرد سلاح، در مسیر قافله قرار گیرند.
۱۹. تمام گروه هایی که تعلق به مواد مخدر دارند چه از نظر استعمال یا ترویج یا قاچاق، تأکید دارند که مواد مخدر سبب مهم مشکلات خانوادگی، سوانح، جرم های هجوم و حمله ای، ربودن اموال مردم و تجاوز بر اموال، آبرو و ممتلكات است.
۲۰. بسیاری از مصرف کنندگان و فروشندگان هیچ گونه کسب و کاری ندارند، و به خاطر وقت گذرانی و پرکردن اوقات فراغت به استعمال مواد مخدر روی می آورند. کاش می دانستند که آیا برای مسلمان وقت فراغتی وجود دارد؟! کجا وقت فراغتی دارد، درحالی که تمام زندگیش در صورتی که با نیت صالح و صدق با خدا باشد، عبادت است.

۲۱. خانه مسلمان اثر بزرگی در منع گسترش مواد مخدر دارد، هرگاه ملاحظه و مراقبت (مواظبت) از جانب اولیای امور یافته شود و آنان در پی انتخاب هم- نشینانی خوب برای اولاد خود باشند، هرگز مواد مخدر به خانواده آن‌ها راه نخواهد یافت.

پیشنادهای تحقیق

مبارزه با سوءمصرف مواد مخدر از راه پرهیز و پیشگیری از دید اسلام

دستور به انتخاب خوب در ازدواج: برای ازدواج مطلوب و پایدار ماندن آن، زیربنایی وجود دارد که ساختمان ازدواج روی آن استوار گشته و آن نتیجه‌ای که از مشروعیت آن در نظر گرفته شده است به دست می‌آید. لازم است که دین زن و مرد یکی باشد تا امر ازدواج ثمره مورد نظر را بدهد و شائبه‌های اختلاف عقیده صفای آن را مکدر نسازد. واقعیت‌های زندگی بهترین گواه بر این گفته هستند؛ زیرا هرگاه بین زوجین اختلاف عقیده وجود داشته باشد راه سهل و آسانی برای مواد مخدر جهت سرایت در خانواده پدید می‌آید و مشکلاتی بر آن مرتب می‌شوند که حد و حصری نخواهند داشت.

کاشتن نهال ارزش‌های اسلامی و تبلیغ عمومی ضررهای مواد مخدر: یقیناً کاشتن ارزش‌های اسلامی و واداشتن بر تمسک به اسلام و لازم گرفتن آن برنامه زندگی است، و بیان استعمال مواد مخدر و تفصیل نتایجی که از آن به دست می‌آید از قبیل ضررها و خطرهایی که امنیت فرد، خانواده و جامعه را تهدید می‌کند، بالاترین وسایل مشخصی هستند برای نجات از این مشکل خطرناک.

توجه به تربیت فرد، خانواده و جامعه: مسلمان باید پرورش و نشأت خوب و درستی داشته باشد و راه‌های خوبی را از والدین یا قیم و سرپرستی دیگر که فرزند به او اقتدا می‌کند، یاد گرفته باشد. بنابراین، لازم است که والدین بر حمایت و تمرین حقایق و ارزش‌ها و مبادی اسلام حارص باشند و برای فرزندان چراغ هدایت باشند نه کلید گمراهی، و باید پیشوای خوبی برای افراد خانواده از روی گفتار و کردار خویش قرار گیرند تا تربیتشان مثمر ثمر و نتیجه خیر باشد.

آموزش: صاحب نظران و آگاهان متعهد تردیدی ندارند که حل این معضل اجتماعی نیازمند مبارزه‌ای مستمر و همه‌جانبه در ابعاد نظامی، انتظامی و سیاسی تا تلاش‌های اقتصادی و فرهنگی است. هم‌چنین از دید اندیشمندان پنهان نیست که از میان انواع مبارزه، ریشه‌ای‌ترین تلاش در راه مقابله با این پدیده شوم که بتواند جامعه را در مسیر پیشگیری از این آفت واکسینه کند؛ پرداختن به فعالیت فرهنگی در زمینه‌های گوناگون اعتقادی، فکری، هنری، تبلیغی و ... است؛ زیرا تلاش بی‌وقفه فرهنگی تضمین‌کننده بهره‌دهی فعالیت سایر بخش‌ها است. مساجد، رسانه‌های گروهی، برنامه‌های درسی، باشگاه‌های ورزشی و مؤسسات اجتماعی نقش مؤثری در متنفر ساختن و برحذر داشتن مردم از این سموم قاتل دارند و اگر امامان مساجد بر این موضوع در سخنرانی‌های خود توجه کنند و معلمان و استادان آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند و در توضیح آن شاعران و ادیبان با اسلوب سهل و جذب به سرودن اشعار و نوشتن مقاله و سخنرانی پردازند مقدار زیادی از خطرات این مشکل کاسته خواهد شد و به‌طور قطع می‌دانیم که قابل پیشگیری هستند، و این کار برای هر کس سهل و آسان است ولی با وجود این می‌بینیم که کوشش در این زمینه بسیار کم است.

فهرست منابع

- قرآن کریم
- احمد طیار، عبدالله بن محمد. (۱۴۱۱ ه.ق). *مواد مخدر در فقه اسلامی*، ترجمه: مولانا سیدمحمدیوسف حسین‌پور، تربت جام: انتشارات احمدجام
- اسعدی، سیدحسن. (۱۳۷۹). *مجموعه مقالات برگزیده*، جلد سوم، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، قوه قضائیه، ۱۳۷۹، ص ۸۴.
- انصاری، شیخ مرتضی. (۱۳۶۷). *المکاسب*، قم: انتشارات علامه.
- بجنوردی، سیدمیرزا حسن. (۱۴۰۲ ق). *القواعد الفقهیه*، قم: مطبعه الخيام.
- بخاری، اسماعیل. (۲۰۶ - ۲۶۱ ه.ق). *الجامع المسند الصحیح المختصر من امور رسول الله (ص) و سننه و ایامه*، قم: انتشارات جامعه المصطفی.
- حبیب‌زاده، محمدجعفر. (۱۳۷۰). *محاربه و افساد فی الارض*، تهران: مؤسسه کیهان.

- حر عاملی، شیخ محمد بن الحسن. (۱۳۹۱ ق). *وسائل الشیعه*، چاپ چهارم، بیروت: احیاء التراث العربی.
- حلی (ابن ادیس)، ابی جعفر. (۱۴۱۰). *السرائر*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- حلی (محقق)، ابوالقاسم نجم‌الدین. (۱۴۰۹ ق). *سرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، بیروت: مطبعه.
- حلی، یحیی بن سعید. (۱۴۰۵). *الجامع للسرایع*، قم: مؤسسه سیدالشهداء.
- زرکشی، بدرالدین. (۷۹۰). *زهر العریش فی تحریم الحشیش*. تحقیق احمد فرج، مصر: دارالوفاء للطباعه و النشر- المنصوره.
- شهیدی، محمدحسن. (۱۳۷۵). *مواد مخدر، امنیت اجتماعی و راه سوم*، تهران: انتشارات اطلاعات.
- قربانی، ابراهیم. (۱۳۹۱). بررسی تهدیدات و تأثیرات قاچاق مواد مخدر از مرز ایران و افغانستان و عملکرد جمهوری اسلامی ایران در امر مبارزه، *فصلنامه علوم و فنون مرزی*، دانشگاه علوم انتظامی امین، سال سوم، شماره سوم، ۸۶-۶۷.
- مقریزی، احمد. (۱۴۲۲). *المواظظ و الاعتبار فی ذکر الخطط و الآثار*، لندن: ایمن فؤاد سید، لندن، ۵۱۷.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ناصح علوان، عبدالله. (۱۴۳۵ ه. ق). *توئیت اولاد در اسلام*، ترجمه: ملیحه وفا، تهران: انتشارات مبین اندیشه.
- نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۰ ه. ق). *جواهر الکلام*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نیشابوری، مسلم. (۲۰۶ - ۲۶۱ ه. ق). *صحیح مسلم*. ترجمه: عبدالقادر ترشابی، ج اول، زاهدان: نشر حرمن.
- هیتمی، ابن هجر. (۱۴۰۷ ه. ق). *الزواج عن اقتواف الكبائر*. ج اول، بیروت: دارالمکتب العلمیه.
- <http://www.hawzah.net>, 1393/12/12.